

آیین انتقام در ایران باستان و انعکاس آن در یادگار زریران

حسن دلبری (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات حماسی دانشگاه حکیم سبزواری

fatemeh.keramati73@gmail.com

فاطمه کرامتی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات حماسی دانشگاه حکیم سبزواری

fatemeh.keramati73@gmail.com

چکیده

حس انتقام‌جویی و کین‌خواهی، اصلی حیاتی است که در وجود همه انسان‌ها و حتی برخی حیوانات به ودیعه نهاده شده است. هرچند امروزه نگرشی غیر مثبت به انتقام در میان مردم دیده می‌شود؛ اما به صورت مصداقی و در آیین‌های ملی، همواره این امر، عملی ممدوح و پسندیده بوده است. آیین کین‌خواهی در اسطوره‌ها و حماسه‌های ایران، بنیادی نمادگونه دارد که از نبرد با دشمنان دین و آیین و مرزهای میهن، حکایت می‌کند. یکی از مهم‌ترین حماسه‌های ایرانی که در آن، انتقام امری واجد قداست تلقی شده است، کتاب «یادگار زریران» است. در این کتاب تأکید شده است که برای نگهداشت مرز و بوم، دین، تاج و تخت، غیرت ملی و مجازات کردن دشمن باید انتقام خون گرفته شود و برهمن اساس بستور، فرزند زریر به کمک اطرافیانش انتقام خون پدرش را از بیدرفش می‌گیرد. در این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی به بررسی آیین انتقام در ایران باستان پرداخته شده و سپس انگیزه‌های انتقام‌جویی و روش‌های انتقام‌گیری در حماسه‌های ایران بررسی شده است و در پایان، انعکاس این آیین در یادگار زریران مورد بحث قرار گرفته و این دستاورد حاصل شده است که آیین انتقام در اساطیر و حماسه‌های ایران با انگیزه‌های مختلف شخصی یا اجتماعی، صورت می‌گرفته است که در داستان زریر، نوع انتقام از نوع اجتماعی و با هدف قصاص و مجازات دشمن و غالباً در میدان جنگ بوده است.

واژه‌های کلیدی: آیین انتقام، کین‌خواهی، یادگار زریران، گشتاسب، زریر، بستور

انتقام، یک واکنش آنی در رفتار انسانی است که نزد ایرانیان باستان و در دین زردشت، امری مقدس، دینی و الهی شمرده می‌شد و عملی پسندیده و مانند دینی بود که باید ادا می‌شد. کین‌خواهی و انتقام، ذاتی اساطیر و حماسه‌های ایران و جوهر اصلی داستان‌های رزمی ایرانی است. ایرانیان در مقابله با دشمنی که از ورای مرزها، سرزمین ایران و تاج و تخت پادشاهی را تهدید می‌کند و به کشتار دست می‌زند یا در داخل کشور موجب اختلال می‌شود، کوتاه نمی‌آیند و به خون‌خواهی در مقام نام و ننگ برمی‌خیزند و برای آن هدف، جایگاهی مقدس گونه قائل می‌شوند و آن را امری مهم و واجب می‌دانند.

انتقام‌گیری، بی‌رحمی بی‌فایده نیست، بلکه یک اصل حیاتی است که در وجود همه انسان‌ها قرارداده شده است. آنچه در جریان درگیری و انتقام، تخریب می‌شود، منشأ خطری برای ما است. پس عمل انتقام، در واقع یک اقدام دفاعی است و حس انتقام، چیزی جز غریزه بقا نیست (نک: دورکیم، ۱۳۸۱: ۸۳) و انسانی که همواره به دنبال جاودانگی است برای حفاظت خود و برقراری امنیت و آرامش برای حفظ عزیزانش هرکاری را انجام می‌دهد و چنانچه از طرف کسی یا گروهی آسیبی به او یا عزیزانش برسد و خطری آن‌ها را تهدید کند بلافاصله جنبه دفاعی می‌گیرد و درصدد انتقام و آسیب متقابل برمی‌آید. فروید معتقد است: «غریزه مرگ و زندگی، پیوسته با هم در پیکارند و چنانچه غریزه مرگ تحت الشعاع قرار گیرد و نتواند در خود شخص به فعالیت پردازد، نمود خارجی پیدا می‌کند و آدمی را به شکستن، کوبیدن، شکار حیوانات و ضرب و جرح هم نوع وامی‌دارد» (سیاسی، ۱۳۷۱: ۶۳).

در فرایند کین‌خواهی، کنش آدمی در راستای تقدیر قرار می‌گیرد. تلافی‌جویی، علاوه بر رسالت آیینی، قدرت درخور توجهی در تهییج احساسات عمومی دارد و سبب سازماندهی گروه‌های نظامی آماده عمل می‌شود. «عصبیت برای تلافی‌جویی، در شکل‌های مختلف مانند خون‌خواهی، بازپس گرفتن زمین و یا جبران شکست، سبب قوام هویت یک گروه و تضمین بقای آن‌ها می‌شود» (سعادت و محمدی فشارکی، ۱۳۹۸: ۱۴۶-۱۴۵).

کین خواهی در میان ایرانیان باستان به گونه‌ای یاریگر تقدیر در مجازات کردن کشندگان انسان‌های بی‌گناه تلقی می‌شد و برخلاف امروز، امری مقدس و الهی بود. آن‌ها معتقد بودند که اگر کسی بی‌گناه کشته شود و نزدیکان و خویشان او موفق نشوند از کشنده او انتقام بگیرند قطعاً خدا انتقام او را خواهد گرفت (نک: سرامی، ۱۳۹۲: ۶۵۰). یکی از کردارهای حماسه، جنگ و دلاوری است در داستان‌های رزمی و حماسی ایران باستان نیز «جدال بین دو نیروی متخاصم و مخالف و جبهه گرفتن آن دو در برابر یکدیگر، اغلب با انگیزه کین-خواهی همراه است» (عبادیان، ۱۳۶۹: ۱۴).

این کین‌خواهی‌ها گاهی درون‌مرزی و مربوط به کین‌خواهی ایرانیان از یکدیگر است؛ مثل کین کیکاووس و رستم یا کینه‌جویی سودابه از سیاوش. گاه نیز برون‌مرزی است و مربوط به انتقام‌گیری‌های ایرانیان و تورانیان و دیگر دشمنان است؛ مثل کین‌خواهی کیخسرو از افراسیاب.

یکی از داستان‌های حماسی ایرانی، یادگار زیران است که در آن انتقام‌جویی از نوع برون‌مرزی است. در این داستان، ابتدا درگیری و جنگ بین ایران و توران به‌خاطر روی آوردن گشتاسب به دین زردشتی آغاز می‌شود و در این درگیری زیریر، برادر گشتاسب و بسیاری از نزدیکان او کشته می‌شوند. چون زیریر برای شاه خیلی عزیز بوده پس از مرگ او محور داستان حول انتقام گرفتن از قاتل او می‌چرخد. در این پژوهش ضمن بررسی آیین انتقام و انگیزه‌های آن در ایران باستان، به روش‌های مختلف انتقام‌گیری از دشمن در ایران پرداخته می‌شود و سپس انعکاس این آیین را در کتاب یادگار زیران بررسی می‌شود.

۲-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش

بررسی آیین انتقام در داستان‌های رزمی و حماسه‌های ایران و بازتاب آن در یادگار زیران، راهی است که با کمک آن می‌توان گوشه‌ای از زوایای کمتر شناخته شده این آیین را مورد کاوش قرار داد و با بررسی یادگار زیران، شیوه انتقام و انگیزه‌های آن و چرایی روی آوردن به انتقام در این داستان را تحلیل کرد.

تا آن‌جا که نگارنده جست‌وجو کرده‌است تاکنون در هیچ پژوهشی به بحث دربارهٔ آیین انتقام در ایران باستان و چرایی روی آوردن به انتقام‌جویی و کین‌خواهی انگیزه‌های انتقام‌جویی و روش‌های آن و انعکاس این آیین در یادگار زیران پرداخته نشده است و پژوهش حاضر، نخستین پژوهشی است که به این موضوع اختصاص یافته است؛ اما پژوهش‌هایی دربارهٔ انتقام کارکرده‌اند و نیز دربارهٔ یادگار زیران نیز تاکنون مقالاتی به چاپ رسیده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

پژوهش مریم محمدزاده (۱۳۹۷) به بررسی انتقام و انگیزه‌های آن در شاهنامه و ایلیداد و ادیسه هومر پرداخته است و به این نتیجه رسیده‌است که بسامد انتقام در شاهنامه، بیشتر از ایلیداد و ادیسه است و انتقام‌های ایلیداد و ادیسه، بیشتر از نوع متافیزیکی می‌باشد؛ اما انتقام بشری در هر سه حماسه مشهود است.

الهام سعادت و محسن محمدی فشارکی (۱۳۸۱) در مقاله «تحلیل مردم‌شناسی جنگ‌های شاهنامه»، با نگاهی تحلیلی به جنگ در شاهنامه از نظرگاه مردم‌شناسی به این نتیجه دست یافته‌اند که انگیزه و ویژگی‌های جنگ‌ها در شاهنامه با تقسیم‌بندی مردم‌شناسانه و سیر تطور جامعه قابل تطبیق است و بیشتر جنگ‌های شاهنامه برای قدرت‌نمایی و تلافی‌جویی بوده‌اند.

رامین صادقی نژاد و صدیقه غیرتمند (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی انتقام و انگیزه‌های آن در دورهٔ پهلوانی شاهنامه»، با بررسی انتقام‌ها در دورهٔ پهلوانی شاهنامه بر این نکته تکیه دارند که انتقام در بخش پهلوانی شاهنامه، بیش از آن‌که انگیزهٔ شخصی داشته‌باشد باوری اعتقادی و امری مقدس است و بیشتر انتقام‌ها در شاهنامه نتیجه بخش است و خون‌کشته‌شده‌ها پایمال نمی‌شود.

محمد فولادی و زهرا فولادی (۱۳۹۸) در مقاله «باورهای عامیانه دربارهٔ خون و خون‌ریزی در طومارهای نقالی»، به باورهای عامیانه دربارهٔ خون و خون‌ریزی در طومارهای نقالی

پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بسیاری از باورهای عامه مردم در ارتباط با قربانی-کردن، خون ریختن، روییدن گیاه از خون بی‌گناه و... پیش‌زمینه‌ای اساطیری دارند و به شکل‌های گوناگون در طومارهای نقالی و باورهای عامیانه بازتاب یافته‌اند.

رقیه همتی (۱۳۸۹) در مقاله «حماسه دقیق‌ی و یادگار زیریران»، گشتاسب‌نامه دقیق‌ی را با نوشته‌های پهلوی یادگار زیریران مقایسه کرده است و اختلافاتی را که بین نقل ماجراها، مفاهیم و گاه‌جملات و حتی نام پهلوانان آن دو وجود دارد، دلیل محکمی برای متفاوت بودن مأخذ دقیق‌ی در سرایش گشتاسب‌نامه می‌داند.

بهجت قاسم زاده و فرزاد حسام عارفی (۱۳۹۱) در مقاله «مقایسه جلوه‌های پایداری در حماسه دینی یادگار زیریران و گشتاسب‌نامه دقیق‌ی»، به مقایسه جلوه‌های پایداری در حماسه دینی یادگار زیریران و گشتاسب‌نامه دقیق‌ی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که در این حماسه، شخصیت‌های داستان در برابر دشمن تسلیم نشده‌اند و از دین و اعتقادات خود حراست کرده‌اند و در پایان مانند سایر نبردهای دینی، پیروزی با حق و نابودی با باطل است.

منوچهر علیپور و حبیب‌الله عباسی و الهه حاجیها (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی سیمای بستور در یادگار زیریران برپایه ساختار تقابل‌های دوگانه»، سیمای بستور در یادگار زیریران را با نظرکردی به تقابل‌های دوگانه بررسی کرده‌اند و به این نتیجه دست یافته‌اند که بستور در این حماسه با این‌که کودکی بیش نیست، نقش مهمی ایفا می‌کند، سهمی وسیع در شکل‌گیری این حماسه داشته و شخصیتی حماسه‌ساز و حماسه‌آفرین دارد.

۴-۱- روش پژوهش

این پژوهش، نظری و توسعه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی است و با مطالعه و بررسی کتاب‌ها و مقاله‌های موجود و نمونه‌ها و مصادیق مورد نظر استخراج شده و مبتنی بر روش کتابخانه‌ای به گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات و تجزیه و تحلیل یافته‌ها می‌پردازد.

۲- بحث و بررسی

واژه انتقام از ریشه «ن ق م» گرفته شده است و در معانی مختلفی از جمله: کيفردادن (طریحی، ۱۳۸۷: ۳۶۶) و انکارکردن (راغب اصفهانی، ۱۳۴۷: ۸۲۲) به کار می‌رود؛ در عرف به معنی آرامش خاطر است و در اصطلاح به معنی «رفتار متقابل عمدی و تلافی جویانه‌ای [است] که در پاسخ به عمل نامطبوع شخص دیگری انجام شود» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵۹۳).

بخش مهم و اصلی داستان‌های حماسی ایران به جنگ‌ها می‌پردازد که گاه به صورت نبرد تن به تن می‌باشند و گاه به صورت هم‌گروه که در نهایت، هریک از این جنگ‌ها موجب کشته شدن برخی از بزرگان می‌شود که پس از مدتی نزدیکان آن‌ها در صدد انتقام‌جویی و خون‌خواهی عزیزشان برمی‌آیند؛ به‌خصوص اگر یکی از کشته‌شدگان، شاه یا شاهزاده‌ای باشد، گرفتن انتقام خون او امری واجب به‌شمار می‌آید. می‌توان گفت: «حس انتقام، بزرگ‌ترین محرک اساسی تمام جنگ‌ها و اعمال جنگجویان است. آنکه بد کند بد خواهد دید خاصه اگر آن بدی به کسی از خاندان شاهی باشد. کسی که مورث زیان و آزاری شود یا جانی را تباه کند، به یقین به بادافره آن خواهد رسید» (صفا، ۱۳۶۳: ۲۳۸)؛ چون شاه، نزد ایرانیان باستان مقامی ارزشمند داشته و در کنار اطاعت از فرمان خداوند همیشه به فرمانبرداری از شاه نیز تأکید می‌شده است و برای شاه و شاهزادگان ارزشی خاص قائل بودند و ریختن خون آن‌ها را درست نمی‌دانستند و معتقد بودند که اگر کسی خون شاه یا شاهزاده‌ای را بریزد، عاقبت خوبی نخواهد داشت.

کین‌خواهی و انتقام نزد ایرانیان باستان، کاری اهورایی محسوب می‌شد و آن‌ها معتقد بودند که «کین‌توزنده در حقیقت یار تقدیر است. کیفر روندی است خدایی و مکافات، ناموس طبیعت است بنابراین آنکه کین کشته‌ای باز می‌ستاند در راستای تقدیر عمل کرده است» (سرامی، ۱۳۹۲: ۶۵۰).

انتقام‌جویی و کین‌کشی از بن‌مایه‌های شاخص و چشمگیر در اساطیر ایران و به‌خصوص منظومه حماسی فردوسی می‌باشد. انتقام‌گرفتن از دشمن نزد ایرانیان امری مقدس است و با وجود اینکه ایرانیان همواره به مهر و محبت شهرت دارند و «اوستا با سبکی شاعرانه، صلح و سازش را شریک منش پاک می‌داند و به‌خصوص فرمان می‌دهد باید از صلح و سلامتی

برخوردار بود و گرد کینه‌جویی و ستیزه‌نگشت» (ایرانی، ۱۳۳۴: ۳۳)؛ زمانی که بحث انتقام و کین‌خواهی می‌شود آن را امری واجب و ضروری می‌دانند و به بهانه‌هایی چون: «حراست از مرز و بوم، کیان و تخت و تاج و تحریک غیرت ملی» (صادقی‌نژاد و غیرتمند، ۱۳۹۷: ۶۳۸) و محافظت از دین و اعتقادات و ... این امر را می‌ستودند و به آن سفارش می‌کردند.

سابقه انتقام در اساطیر ایران به دوران باستان بازمی‌گردد. براساس تعلیماتی که در کتب ایرانیان پیش از اسلام آمد و منشأ اخلاق و رفتار آن‌ها قرار گرفته‌است مردم ایران باستان، انسان‌هایی صلح‌طلب، بی‌آزار و به دور از صفاتی چون حسد و پیمان‌شکنی بوده‌اند. با این حال انتقام برای آن‌ها بسیار مهم و مقدس است (نک: مزداپور، ۱۳۸۷: ۵۳) و دروغ‌گویان، پیمان‌شکنان و بیدادگران باید انتقام پس بدهند و مجازات شوند. مهر، فرشته فروغ و روشنایی، از جانب اهورامزدا برای محافظت عهد و میثاق، گماشته شده‌است و هیچ‌چیزی از او پوشیده نیست. او پیمان‌شکنان را سزا می‌دهد و از آن‌ها انتقام می‌گیرد (نک: پورداوود، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۰۳). ایرانیان بدعهدی و پیمان‌شکنی را همواره امری ناپسند تلقی می‌کردند و بارها در کتب مختلف ذکر شده که پیمان‌شکنان به شدت مجازات می‌شده‌اند. «در مهریشت نیز بارها از میتره به عنوان ایزد پیمان‌سخن رفته‌است. پیمانی که میتره بر آن نظارت دارد با هزار بصیرت، هزار گوش، ده هزار چشم و ده هزار مراقب است که تنبیه‌کننده متجاوز و پاداش‌دهنده فرمانبردار است» (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۹: ۱۳۴).

مطابق آنچه در اساطیر ایران ذکر شده است، «نخستین کین توختن در شاهنامه به فرمان خداوند صورت می‌پذیرد» (سرامی، ۱۳۹۲: ۶۵۰). ایرانیان باستان، کیفر را روندی خدایی می‌دانستند و معتقد بودند که اگر هیچ کس از خویشان و یاران فردی که بی‌گناه کشته شده‌است موفق به گرفتن کین او از کشنده نشوند، سرانجام خدا کین او را بازخواهد ستاند (همان).

شاهنامه که بزرگترین اثر حماسی ایران و منعکس‌کننده سنن و آیین‌های مختلف اسطوره‌ای می‌باشد سرشار از جنگ‌هایی است که با هدف کین‌خواهی آغاز شده‌اند. از همان ابتدا که دیو سیاه، فرزند اهریمن بر اثر حسادت سیامک، پسر کیومرث را بی‌گناه می‌کشد؛ کیومرث به دستور اهورامزدا انتقام خون او را می‌گیرد تا دوران جمشید این انتقام از دیوها وجود دارد و سپس داستان جمشید بیان می‌شود که ضحاک او را می‌کشد و بعدها فریدون، انتقام خون جدش، جمشید را از ضحاک می‌گیرد و او را در دماوندکوه زندانی می‌کند پس از

آن ماجرای درگیری فرزندان فریدن مطرح می‌شود که ایرج به‌خاطر حسادت به دست برادرانش کشته می‌شود و فرزندش منوچهر به دستور فریدون به خون‌خواهی پدر برمی‌خیزد و جنگ‌های ایران و توران آغاز می‌شود و در طول زمان به بهانه‌های مختلف این درگیری‌ها ادامه می‌یابد تا زمانی که افراسیاب به تحریک برادرش، گرسیورز که کین سیاوش در دل دارد و به او حسادت می‌کند دامادش، سیاوش را بی‌گناه می‌کشد و کیخسرو به کمک رستم به توران حمله می‌کند و انتقام پدر را از افراسیاب می‌گیرد و...

علاوه بر شاهنامه که مهم‌ترین اثر رزمی ایران و حماسه ملی ما است آثار دیگری نیز از ایران باستان در دست است که بن مایه اصلی و اساسی آن جنگ و انتقام‌جویی می‌باشد. یکی از این آثار، یادگار زریران، از مهم‌ترین آثار رزمی ایران پیش از اسلام است. ابتدا به معرفی این اثر گراندزیم و سپس انگیزه‌های انتقام و روش‌های انتقام‌گیری در ایران باستان و به خصوص در یادگار زریران بررسی می‌شود.

۲-۲- هدف از انتقام در اساطیر ایران

علت‌های انتقام در اسطوره‌های ایران عموماً در دو بخش انگیزه‌های شخصی و انگیزه‌های اجتماعی قابل تحلیل هستند.

در انتقام‌های شخصی، فرد آسیب دیده برای جبران خسارت و ضررهایی که به او وارد شده است تلاش می‌کند تا با تلافی کردن به آرامش خاطر برسد. این نوع انتقام، «اغلب برخاسته از احساسات درونی و روانی و با هدف کسب رضایت» (محمدزاده، ۱۳۹۷: ۱۹۸) و با انگیزه‌هایی چون حسادت، خودخواهی، ناکامی در عشق، تحقیرشدن، شکست خوردن در مبارزات قبلی و... صورت می‌گرفته است.

در انتقام‌های اجتماعی و گروهی، اغلب انتقام‌جویی با درایت و با تکیه بر عقل انجام می‌شود و در حماسه‌های ملی ایران با هدف ایستادگی در برابر ظلم و ستم و قیام برای گرفتن انتقام بی‌گناهان و مظلومان به کار رفته است. انگیزه‌های انتقام اجتماعی عبارت‌اند از: قصاص و مجازات، تعصب و غیرت ملی پهلوانی و عدالت‌خواهی (نک: همان: ۲۰۳-۱۹۸).

۲-۳-۲- روش‌های انتقام در اساطیر ایران

یکی از مقدس‌ترین و مهم‌ترین امور در اساطیر و حماسه‌های ایران، کشتن کسی است که یکی از بزرگان یا شاهزادگان را به قتل رسانده است. بیش‌تر انتقام‌ها در داستان‌های حماسی ایران در میدان رزم اتفاق می‌افتد و معمولاً انتقام‌گیرنده در جنگ به خون‌خواهی می‌پردازد اما گاهی روش‌های دیگری نیز برای گرفتن انتقام و مجازات دشمن به کار گرفته می‌شود که به اختصار به هر یک از آن‌ها می‌پردازیم:

۱-۳-۲- **کشتن از طریق سرنگون کردن در چاه:** از این قبیل است، کشتن مرداس که پسرش ضحاک با یاری ابلیس به خطر حسادت و گرفتن تاج و تخت پدر، او را در چاهی می‌اندازد تا کشته شود. رستم و زواره و دیگر همراهانش نیز توسط شغاد و مهراب کابلی، به همین روش کشته شدند.

۲-۳-۲- **کشتن از طریق سرنگون کردن در خندق:** ایرانیان در زمان کیخسرو با حفر خندق، بسیاری از جنگجویان تورانی را که شبانه به آن‌ها شیبخون زده بودند، به هلاکت رساندند و از آن‌ها انتقام گرفتند.

۳-۳-۲- **خفه کردن:** گردیه، همسرش گستهم را با همراهی یاران خود، شبانه خفه کرد.

۴-۳-۲- **مسموم کردن:** شیرین، همسر خسرو پرویز، هووی خود، مریم را از طریق خوراندن زهر مسموم کرد.

۵-۳-۲- **به دم اسب بستن:** گاه برای مجازات، خائن و پیمان‌شکن را به دم اسب می‌بستند تا با تحمل عذاب بسیار بمیرد و نیز نشان دهنده نهایت خشم از دشمن است و نیز این کار برای خوار و خفیف کردن او می‌باشد. از این قبیل می‌توان به بستن خسرو پرویز، قاتل اردشیر شیروی به دم کره‌ای نو زین به دستور پوران‌دخت اشاره کرد.

۶-۳-۲- **کشتن قاتل از طریق بریدن سر او:** زمانی که سرخه، پسر افراسیاب به دست فرامرز گرفتار می‌شود به دستور رستم به تلافی کشتن سیاوش، سر او را در تشت می‌برند و سپس جسد او را به دار می‌آویزند و چاک چاک می‌کنند.

۷-۳-۲- کشتن قاتل از طریق مثله کردن: از این قبیل است، مثله کردن ماهوی سوری به دست بیژن ترک، به انتقام خون یزدگرد (نک: سرامی: ۴۷۱-۴۶۹)

۸-۳-۲- کشتن دشمن و نوشیدن خون او: یکی از روش‌های کهن خون‌خواهی و نشان دادن شدت نفرت از دشمن که پیشینه‌ای هند و اروپایی دارد (کیا، ۱۳۷۸: ۱۳۸) خوردن خون دشمن پس از کشتن او بوده‌است و این امر «نمادی از کینه‌توزی بوده است و خوردن خون و سایر اعضا در نشان دادن مقدار کینه رایج بوده است» (فولادی و غلامی، ۱۳۹۷: ۸۴). گاهی نیز نوشیدن خون دشمن پس از کشتن او با هدفی دیگر انجام می‌شده، «قهرمانان پس از کشتن دشمن، خون او را می‌نوشیدند تا نیروی نهفته آن را به خود منتقل کنند و بدین‌سان گویی خون را ناقل روح یا همان روح می‌دانستند» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۸۱). از این قبیل می‌توان گودرز را نام برد که پس از کشتن ویسه، برای انتقام خون هفتاد فرزندش، خون ویسه را نوشید.

۴-۲- معرفی یادگار زیران و خلاصه‌ای از داستان

کتاب «یادگار زیران، کهن‌ترین حماسه دینی ایرانی است که موضوع اصلی آن، بیان دلاوری‌ها و جان‌فشانی‌های ایرانیان و معتقدان به دین نو زردشتی در برابر سپاه ارجاسب، شاه خیونان است» (قاسم‌زاده و حسام‌عارفی، ۱۳۹۱: ۳۴۳). به‌خاطر سوگواری‌ها و بی‌قراری‌هایی که از زبان بستور زمانی که با پیکر بی‌جان پدرش روبه‌رو می‌شود ذکر می‌شود این اثر را در قالب تعزیه‌نامه‌ها نیز شمرده‌اند. «این اثر کهن‌ترین تعزیه‌نامه و نمایشنامه ایرانی است که به دست ما رسیده است و خط و زبانش پارسیک؛ یعنی پهلوی ساسانی است» (همتی، ۱۳۸۹: ۱۲۸). وجود برخی واژه‌های پهلوانیک در این اثر نشان می‌دهد که باید زمان سرایش آن، بسیار کهنه‌تر از عصر ساسانی و «روایت آن به دوره اشکانی برگردد» (علیپور، ۱۴۰۰: ۱۶۹).

این کتاب، نثری همراه با شعر است و حدود سه هزار واژه دارد و آن را شاهنامه گشتاسب هم می‌خوانند. «قطعه‌ای است احتمالاً از یک رشته حماسه‌های ایرانی که به همت گوسان‌های پارتی تا دوره ساسانی به طور شفاهی زنده بوده‌اند و شاید در این دوره تدوین شده است.

احتمال این نیز هست که مطالب این اثر از متنی اوستایی که امروزه در دست نیست گرفته شده باشد چون بخش‌هایی از آن را در کتاب هفتم دینکرد نیز می‌توان یافت» (آموزگار، ۱۳۹۲: ۶-۷). برخی معتقدند که این کتاب، نثر است و عده‌ای نیز آن را نثر آمیخته به شعر می‌دانند. «نخستین بار بنویست به شعر بودن آن پی برد و کوشش کرد ساختمان شعری آن را مشخص کند» (همان: ۶). این داستان را دقیقی به شعر درآورده و فردوسی نیز سروده دقیقی را به طور کامل در شاهنامه گنجانده است. اکنون خلاصه‌ای از این داستان را که براساس کتاب ترجمه شده از ژاله آموزگار می‌باشد بیان می‌کنیم:

این داستان بیانگر درگیری گشتاسب، شاه ایران با ارجاسب، شاه خیونان می‌باشد. ارجاسب پس از گرویدن گشتاسب و اطرافیانش به دین زردشتی، دو تن از سران سپاه خود، بیدرفش جادوگر و نام خواست را به دربار او می‌فرستد و در نامه‌ای از او می‌خواهد که دین جدید را رها کند و در غیر این صورت آماده جنگ شود. گشتاسب از شنیدن پیغام او بسیار آشفته و ناراحت می‌شود. برادرش، زریر از او اجازه می‌گیرد تا خودش جواب نامه را بدهد و در نامه خطاب به ارجاسب، بیان می‌کند که ما دین و آیین جدید خود را رها نمی‌کنیم و آماده مبارزه می‌شویم. سپس به فرمان شاه برای آگاهی مردم بر فراز کوه، آتش برمی‌افروزند و همه مردان کشور را جز مغان، از ده ساله تا هشتادساله به جنگ فرامی‌خوانند. در این میان، گشتاسب از وزیر خود، جاماسب می‌خواهد که نتیجه جنگ را پیشگویی کند. جاماسب از شاه می‌خواهد ابتدا سوگند بخورد که پس از پیشگویی به او گزندی نمی‌رساند تا آینده را برایش بگوید. پس از سوگند خوردن گشتاسب، او از کشته شدن برادرش، زریر و چند تن از برادران و فرزندان در این جنگ می‌گوید و در پایان بیان می‌کند که جنگ به سود ایرانیان تمام می‌شود و پایانی خوش دارد. پس از حدود یک ماه دو سپاه باهم درگیر می‌شوند و چنان‌که جاماسب پیش‌بینی کرده بود زریر و چند تن از نزدیکان گشتاسب کشته می‌شوند. بستور، پسر هفت‌ساله زریر به خون‌خواهی پدر برمی‌خیزد و به کمک روح پدرش، بیدرفش را می‌کشد و پرچم را به گرامی‌کرد، پسر جاماسب می‌دهد تا به نشانه پیروزی بالا ببرد و سپس با کمک گرامی‌کرد و اسفندیار همه خیونان را نابود می‌کند و از خیونان تنها، ارجاسب زنده می‌ماند که اسفندیار از او انتقام می‌گیرد و از او دستی و گوشه‌ای را می‌برد و یک

چشمش را با آتش می‌سوزاند و سوار بر خری دم بریده او را به وطنش بازمی‌گرداند تا به حیوانان بگوید که چه اتفاقی افتاده است.

۱-۴-۲- انگیزه‌های انتقام در یادگار زیریران

هدف از انتقام در یادگار زیریران، از نوع اجتماعی است؛ زیرا در ایران باستان، نهاد و سازمانی برای مجازات دشمنانی که موجب کشته شدن فردی بی‌گناه شده بودند و یا با ارتکاب جرمی باعث زیان رسیدن به دیگران شده بودند، وجود نداشت، انجام این مجازات و قصاص بر عهده خود فرد زیان‌دیده یا خانواده‌ی شخص کشته‌شده بود و آن‌ها باید خودشان متهم را به سزای اعمالش می‌رساندند؛ بنابراین، این انتقام انگیزه شخصی نداشته و با انگیزه اجتماعی صورت گرفته است. خانواده‌ی مظلومان به دلیل خویشاوندی و پیوند خونی، اختیار کامل برای کین‌جویی داشتند و «یکی از افتخارات خاندان‌های بزرگ ایرانی و قهرمانان این بود که انتقام کشتگان خود را بازستانند» (همان: ۲۰۲).

در این نوع از انتقام که با هدف قصاص دشمن انجام می‌شود باید یکی از نزدیکان فرد کشته‌شده به کین‌خواهی برخیزد، مخصوصاً اگر پدری کشته شود باید پسر او کین پدر را بخواهد. به همین دلیل پس از کشته شدن زیریر، زمانی که پهلوانان ایرانی را به انتقام جویی و کشتن قاتل زیریر فرامی‌خواند و وعده به همسری درآوردن دخترش، همای و سپاهبدی ایران را به پهلوانی که انتقام زیریر را بگیرد می‌دهد، تنها کسی که پاسخ او را می‌دهد و حاضر می‌شود برای گرفتن انتقام، راهی میدان نبرد شود، پسر خردسال زیریر، بستور می‌باشد:

پس گشتاسب شاه از سر کوه نگاه کند و گوید که: من چنین می‌پندارم که کشته‌شد زیریر، سپاهبد ما، چه اکنون نیاید پرش کمانان و بانگ نیومردان. ولی از شما ایرانیان کیست که شود و کین زیریران خواهد تا که دخترم همای را به زنی او دهم که اندر همه کشور ایران، زن از او خوب چهرتر نیست. خان و مان زیریر و سپاهبدی ایران را به او دهم. هیچ ایرانی و آزاده‌ای پاسخ نداد مگر آن پسر زیریر، هفت‌ساله‌وار کودک که برپای ایستد و گوید که: مرا اسب زین سازید تا من شوم و رزم آزادگان بینم، آن تهم سپاهبد نیو، زیریر، پدرم را، اگر زنده یا مرده، چنان که هست پیش شما خدایگان بگویم (آموزگار، ۱۳۹۲: ۳۳-۳۲).

۲-۴-۲- روش‌های انتقام در یادگار زریران

در یادگار زریران نیز، مانند بیشتر حماسه‌های رزمی، انتقام، در میدان جنگ اتفاق می‌افتد و ابتدا بستور در میدان نبرد، با بیدرفش جادوگر مبارزه می‌کند و با کمک روح پدرش، بیدرفش را می‌کشد و انتقام خون زریر را می‌گیرد و سپس به کمک گرامی‌کرد و اسفندیار، در نبردی گروهی همهٔ خیونان را نابود می‌کنند و تنها کسی که زنده می‌ماند ارجاسب تورانی است که اسفندیار به بدترین نحو از او انتقام می‌گیرد و یک دست و یک پا و یک گوش او را می‌برد و یک چشم او را می‌سوزاند و در نهایت خفت و خواری او را سوار بر خری دم بریده می‌کند و خطاب به او می‌گوید: «شو و گوی که تو چه دیدی از دست من، یل اسفندیار، که خیونان نیز دانند که چه بود و به روز فروردیناندر اژدهارزم گشتاسبی» (آموزگار، ۱۳۹۲: ۴۰).

۳- دستاورد

بخش مهمی از داستان‌های حماسی ایران را جنگ در برمی‌گیرد که اصلی‌ترین دلیل این جنگ‌ها انتقام و کین‌جویی است. انتقام و کین‌خواهی همواره در اساطیر و حماسه‌های ایران ستوده شده و امری اهورایی و الهی تلقی می‌شده است مخصوصاً اگر فرد کشته شده یکی از بزرگان یا شاهزادگان باشد، گرفتن انتقام او امری واجب است و باعث افتخار.

آیین انتقام در اساطیر و حماسه‌های ایران با انگیزه‌های مختلف شخصی یا اجتماعی، صورت می‌گرفته است که در داستان زریر، نوع انتقام از نوع اجتماعی بوده و با هدف قصاص و مجازات دشمن بوده است. این آیین در اساطیر ایران عموماً در میدان جنگ انجام می‌شده؛ اما علاوه بر آن گاه روش‌های گوناگون دیگری نیز برای انتقام وجود داشته که عبارت‌اند از: کشتن از طریق سرنگون کردن در چاه، کشتن از طریق سرنگون کردن در خندق، خفه کردن، مسموم کردن، به دم اسب بستن، کشتن قاتل از طریق بریدن سر او، مثله کردن، کشتن دشمن و نوشیدن خون او و... در یادگار زریران نیز انتقام در میدان جنگ و توسط پسر زریر، بستور انجام می‌شود و در پایان او به کمک گرامی‌کرد و اسفندیار، همهٔ تورانیان را نابود می‌کند و تنها کسی که زنده می‌ماند ارجاسب است که اسفندیار او را در

نهایت خواری و حقارت بر خری دم بریده سوار می‌کند و به وطنش می‌فرستد تا به آن‌ها بگوید که چه اتفاقی افتاده است.

منابع و مآخذ

- ۱- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. (۱۳۹۹). *اسطوره بیان نمادین*، چاپ ششم، تهران: سروش.
- ۲- انوری، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*، ج ۱، تهران: سخن.
- ۳- ایرانی، دین‌شاه. (۱۳۳۴). *اخلاق در ایران باستان*. چاپ سوم، بمبئی: انجمن زردشتیان ایرانی بمبئی.
- ۴- دور کیم، امیل. (۱۳۸۱). *تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: کاوه.
- ۵- سرامی، قدمعلی. (۱۳۹۲). *از رنگ گل تا رنج خار*، شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه، ج ۶، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۶- سعادت، الهام؛ محمدی فشارکی، محسن. (۱۳۸۱). «تحلیل مردم‌شناسی جنگ‌های شاهنامه»، *نامه انسان‌شناسی*، سال شانزدهم، ش ۲۹، صص ۱۶۴-۱۳۷.
- ۷- سیاسی، علی‌اکبر. (۱۳۷۱). *نظریه‌های شخصیت*، تهران: کاوه.
- ۸- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). *فرهنگ اشارات*، ویرایش دوم، تهران: میترا.
- ۹- صادقی‌نژاد، رامین؛ غیرتمند، صدیقه. (۱۳۹۷). «بررسی انتقام و انگیزه‌های آن در دوره پهلوانی شاهنامه»، *مجموعه مقالات همایش ملی شاهنامه و تعلیم و تربیت*، مشهد، صص ۶۵۴-۶۳۸.
- ۱۰- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۳). *حماسه سرایی در ایران*، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- ۱۱- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۸۷). *مجمع بحرین*، تصحیح محمود عادل، قم: دفتر فرهنگ اسلامی.
- ۱۲- عبادیان، محمود. (۱۳۶۹). *فردوسی و سنت‌آوری در حماسه‌سرایی*، ج ۱، تهران: گهر.

- ۱۳- علیپور، منوچهر؛ عباسی، حبیب‌الله؛ حاجیها، الهه. (۱۴۰۰). «بررسی سیمای بستور در یادگار زریران برپایه ساختار تقابل‌های دوگانه»، *پژوهش‌نامه ادب حماسی*، سال هفدهم، ش ۲، صص ۱۸۸-۱۶۹.
- ۱۴- فولادی، محمد؛ غلامی، زهرا. (۱۳۹۷). «باورهای عامیانه درباره خون و خون‌ریزی در طومارهای نقالی»، *دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، سال هفتم، ش ۲۵، صص ۱۰۴-۸۱.
- ۱۵- قاسم‌زاده، بهجت؛ احسام‌عارفی، فرزاد. (۱۳۹۱). «مقایسه جلوه‌های پایداری در حماسه دینی یادگار زریران و گشتاسب‌نامه دقیقی»، *نشریه ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، سال سوم، ش ۶، صص ۳۶۱-۳۴۳.
- ۱۶- کیا، خجسته. (۱۳۷۵). *قهرمانان بادیا در قصه‌ها و نمایش‌های ایرانی*. چاپ اول، تهران: مرکز.
- ۱۷- محمدزاده، مریم. (۱۳۷۹). «انتقام و انگیزه‌های آن در شاهنامه فردوسی و ایلید و اودیسه هومر»، *پژوهشنامه ادب تطبیقی*، ش ۳۹، صص ۱۸۹-۲۱۴.
- ۱۸- مزدپور، کتایون. (۱۳۸۷). «نوروز و شاهنامه»، *فرهنگ مردم*، سال هفتم، ش ۲۴ و ۲۵، صص ۶۶-۵۱.
- ۱۹- همتی، رقیه. (۱۳۸۹). «حماسه دقیقی و یادگار زریران»، *نامه پارسی*، ش ۵۲، صص ۱۴۵-۱۲۸.
- ۲۰- یادگار زریران. (۱۳۹۲). ترجمه ژاله آموزگار، تهران: معین.
- ۲۱- *یشت‌ها*. (۱۳۷۷). ترجمه و تفسیر ابراهیم پورداوود، ج ۱، تهران: اساطیر.